

دماوند نوردی و نکته



زهرا جعفرزاده

روزنامه نگار

تیر و مراد که می شود، گروه های کوهنوردی بار و بند پلشان را در یک کوله پشتی جمع می کنند و می روند به سمت بخش مرکزی رشته کوه البرز، به دماوند، قله ۵۶۱۰ متری، نورددین دماوند، از جبهه جنوبی، مسیر آسان تر و کوتاه تر نسبت به جبهه های شمالی، شمال شرقی و غربی دارد و همین هم شده تا حداقل آنهایی که برای نخستین بار به این قله صعود می کنند، جبهه جنوبی را انتخاب کنند؛ جبهه های که هم نیشان سواری دارد برای رسیدن به گوسفندسرا و هم قاطر دارد برای کوله کشی و هم در ارتفاع ۳۲۰۰ متری بارگاه سوم به انتظار کوهنوردان نشسته تا شب را آن جا پناه بگیرند یا حداقل اطرافش کمپ کنند هفته گذشته بود که همراه با یک تیم نیمه حرفه ای صعودی به دماوند داشتم که سرروز زمان برد. در این سرروز اتفاقات جالب و درعین حال قابل تأملی رخ داد که سبب شدن متن نوشته شدم.

۱- هر کلدوری که مسافران آن را پارکینگ تا گوسفندسرا جابه جایی می کنند، نزدیک به ۱۲ هزار تومان برای رفت و ۱۰ هزار تومان برای برگشت می گیرد. هر کلدور، نزدیک به ۵ نفر جادارد. قاطری که هم بارها را حمل می کنند، اصولش این است که هر قاطرچی براساس تعرفه فدراسیون کوهنوردی، برای هر کیلو بار، ۲۵۰ تومان بگیرد، اما قاطرچی ها اصلا این تعرفه را قبول ندارند و بدون وزن، تنها بار داشتن باری که در گوئی گذاشته شده، وزن را تخمین می زنند و قیمت می دهند، معمولی قیمت ها از ۵۰ هزار تومان شروع می شود و به ۱۰۰ هزار تومان می رسد. بنابراین هر یک نفر برای رسیدن به بارگاه سوم باید بالای ۷۰ هزار تومان پول بدهد، باینکه در فصل صعود روزانه بالای هزار نفر به سمت قله حرکت می کنند و ۹۰ درصدشان هم این پول را پرداخت کرده اند، اما در بارگاه سوم جز یک سرویس بهداشتی آن هم با شرایط نامناسب، هیچ امکانات دیگری در اختیار کوهنوردان قرار نگرفته است که اگر می توانستند برای همان آبی که از چشمه می آید هم، از مردم پول می گرفتند.

۲- در بارگاه سوم، جز تخت هایی که اجاره داده می شوند (که وضع بسیار نامناسبی برای استراحت دارند)، در محوطه هم تعداد زیادی چادر، برپا شده که با تجهیزات، هر شب نزدیک به ۱۶۰ هزار تومان اجاره داده می شوند. با وجود این در آمدزایی برای بارگاه، اما در آن ساختمان دوطبقه، حتی یک پزشک یا یک تیم امدادی پیدا نمی شود تا اگر برای یکی از کوهنوردان در آن ارتفاع اتفاقی افتاد، به داندش برسند. همین اتفاق هم افتاد و یکی از کوهنوردان در بارگاه سوم، دچار ارتفاع زدگی شد و به دلیل بیماری قلبی، وضع وخیمی پیدا کرد، در حالی که در بارگاه حتی یک پزشک یا یک امدادگر نبود تا اقدامات درمانی اولیه را برایش انجام دهد و در نهایت با آمدن بالگرد امداد هلال احمر، به بیمارستان منتقل شد.

۳- مدیران بارگاه، بسرای درآمدزایی حتی در محدوده فرود بالگرد امداد هم چادرهای اجاره ای را برپا کرده بودند، زمانی که بالگرد امداد برای نجات مصدوم از راه رسید، فضایی برای فرود نداشت و چادرها از وزش شدید باد، به هوا برتاب شدند.

۴- نمی شود دماوند ۵۶۱۰ متری را با اورست ۸۲۴۸ متری مقایسه کرد، اما مدیران فدراسیون کوهنوردی باید در ابتدای مسیر دماوند فیلتری برای صعود در نظر بگیرند، باید قابلیت کوهنوردان برای صعود به ارتفاع ۵۶۱۰ متری سنجیده شود و هم هوایی آنها اطمینان حاصل شود تا در ارتفاعات بالا، شاهد ارتفاع زدگی کوهنوردان نباشیم. بسیاری از آنهایی که به دماوند صعود می کنند، آمادگی قبلی برای صعود ندارند و در میان راه، به دلیل عوارض سخت ارتفاع زدگی، در بهترین حالت مسیر رفته را باز می گردند. خیلی ها هم کارشان به بالگرد امداد می کشد. ۵- چرا قله ای مثل خلنو با ۴۳۷۵ متر یا قله کلون بسستک با ارتفاع ۴۱۷۶، تابلویی دارد که روی آن مشخصات قله نوشته شده است اما دماوند با بالای ۵۶۰۰ متر، به عنوان بلندترین قله ایران و حتی خاورمیانه، هیچ نام و نشانی ندارد و یک بز یا زغاله تا کسیدم می شده، نماد آن شده است؟

روزنامه شهروند در هفته های اخیر در شکل و محتوا متحول شده است. ما را از نظرات و انتقادات خود بی نصیب نگذارید و با ما از طریق شماره پیامک ۵۰۰۰۲۶۲۶۲ در تماس باشید

معاون اول رئیس جمهوری:

فساد به برخی از مسئولان بالایی کشور رسیده است



اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری، گفت: «اگر با فساد و مسئولانی که دامن جمهوری اسلامی را به فساد آلوده کردند به موقع برخورد می شد، امروز مبارزه با فساد به دغدغه عمومی ملت تبدیل شده بود.» او ادامه داد: «متأسفانه فساد به برخی از مسئولان بالایی کشور رسیده است و در دوره ای که می شد باید جلوی فساد را می گرفتند، نگرفتند و برخی مسئولان کشور را به فساد آلوده کردند. راه مبارزه با فساد این بود که بدون تبعیض و فارغ از وابستگی های جناحی برخورد می شد، که متأسفانه این اتفاق نیفتاد و الان در شرایطی هستیم که مبارزه با فساد یک مطالبه عمومی است.»

امتیاز طلایی لیزینگ غیر مجاز برای مسئولان بانک

خودروی لاکچری مدیران با وام قرض الحسنه



مریم شکرانی - شهروند | «مدیران بانک ملی با وام قرض الحسنه خودروی لاکچری خریدند» این خلاصه خبری است که در پیرو حاشیه ساز شد. یکی از مدیران ارشد بانک ملی که به نام دخترش سانثا خدیجه، گفته است؛ این خودرو را با وامی گرفته که سودش تنها ۱۳ درصد بوده است.

گرچه روابط عمومی بانک ملی زیر بار ماجرا نمی رود و تنها به گفتن این جمله بسنده می کند که در حال تنظیم جوابیه برای گزارش است اما توضیحات پراکنده شان حاکی از آن است که مدیران ارشد بانک ملی از تسهیلات یک شرکت لیزینگ خودرو استفاده کرده اند. نکته ماجرا همین جاست که این شرکت لیزینگ خودرو که حاضر است با وام بسیار ارزان خودروهای لاکچری بفروشد، کجاست؟ مدیران بانک ملی حاضر به افشای نام شرکت لیزینگ خودرو به «شهروند» نیستند اما احتمالاً منظور آنها شرکت لیزینگ گسترش سرمایه گذاری ملی است که متعلق به خود بانک ملی است و پیش از این با نام شرکت لیزینگ سرمایه گذاری بانک ملی فعالیت می کرد.

جالب است بدانید که این شرکت لیزینگی در فهرست غیر مجازهای بانک مرکزی قرار دارد و مرجع پولی و بانکی کشور به مردم هشدار داده است که از

بانک ملی ایران در اقدامی عجیب تعدادی خودروی لوکس خارجی به برخی مدیران خود داده که براساس اطلاعات به دست آمده نیمی از مبلغ آن را بانک ملی با عنوان وام های قرض الحسنه با بهره کم پرداخت کرده است.

آن خودرو نخرند! اما شاید این پرسش برایتان مطرح شده باشد که چرا این تسهیلات ارزان مستقیم از بانک ملی پرداخت نشده و از کانال شرکت لیزینگ خودرو به دست مدیران ارشد بانک ملی رسیده است؟ علت این ماجرا به یک قانون نسبتاً جدید بانک مرکزی برمی گردد که براساس آن بانک ها دیگر حق ندارند از منابع قرض الحسنه به کارمندان وام بدهند. این قانون درست در زمانی تصویب شد که اعتراض مردم به صف های طولانی وام ازدواج بالا گرفته بود و بانک ها تقریباً هیچ وام از زانی در اختیار مردم نمی گذاشتند. این در حالی است که آنها بخش زیادی از سرمایه مردم

را به عنوان سپرده قرض الحسنه دریافت می کردند. حالا گویا این وام های بسیار ارزان که سود یک رقمی دارند، هنوز برای بانکی ها و سوسه برانگیز است و آنها تلاش می کنند که با روش های مختلف وام های قرض الحسنه را به دست مدیران و کارکنانشان برسانند.

رویداد ۲۴ دیروز نوشته بود؛ بانک ملی ایران در اقدامی عجیب تعدادی خودروی لوکس خارجی به برخی مدیران خود داده که براساس اطلاعات به دست آمده نیمی از مبلغ آن را بانک ملی با عنوان وام های قرض الحسنه با بهره کم پرداخت کرده است. براساس این گزارش، بانک ملی در قرارداد با یک شرکت تولید کننده و واردکننده خودروهای لوکس خارجی، به برخی مدیران خود خودروهای سانثا و میتسوبیشی با بهره بسیار کم ۴ تا ۱۰ درصد می دهد. یکی از مدیران ارشد بانک ملی که درخواست کرده یکی از همین خودروها نه به نام خودش بلکه به نام «دخترش» ثبت شود، ضمن تأیید خبر به رویداد ۲۴ گفته است؛ یک خودروی سانثا قسطی با بهره ۴ درصد گرفته ام و مشکلی هم وجود نداشته است، چون به جز من، به دیگر مدیران بانک ملی هم از همین خودروها اختصاص داده اند و عده ای سانثا و عده ای میتسوبیشی دریافت کرده اند!

بر پایه اطلاعات خبرنگار رویداد ۲۴، برخی از مدیران که وام کم بهره خودروی لوکس دریافت کرده اند، از سوی معاونت اعتبارات بانک ملی معرفی شده اند. وام کم بهره خرید خودروی خارجی درست در زمانی به برخی مدیران بانک ملی اعطا شده است که پرداخت کمترین وام ها با مشکلات بسیاری مواجه است.

یکی دیگر از مدیران بانک ملی که جزو دریافت کنندگان خودروهای لوکس بوده، هم به رویداد ۲۴ گفته است؛ چون خودروها به مدیران داده می شد، بانک ملی پرداخت ها را تضمین کرده بود، به همین دلیل در قرارداد با شرکت خودرویی مشکلی وجود نداشت و بابت آنها تخفیف هم داده شده است.

بجز بانک ملی یکی از چالش های حال حاضر اقتصاد ایران است و بدهی های کم رشکنی از سوی بدهکاران بزرگ و دانه درشت ها به شبکه بانکی تحمیل شده است. گزارش های بانک مرکزی نشان می دهد که حدود ۸۰ درصد وام های بانکی را دانه درشت ها گرفته اند و این بدهی های سنگین باعث شده است که نسبت تسهیلات به بدهی های معوق و مشکوک الوصول به ۱۵ درصد رسیده است. این در حالی است که براساس استانداردهای جهانی این نسبت باید زیر ۵ درصد باشد و در واقع این اطلاعات نشان می دهد که دانه درشت ها چه وضع وخیمی به بانک ها تحمیل کرده اند.

واگذاری سکه های پیش فروش شده و انتشار اسم خریداران عمده همچنان ادامه دارد

دقیقا چه جرمی اتفاق افتاده است؟



بیش از ۶ ماه از آغاز طرح پیش فروش سکه دولتی با ضرر رسیدهای چندماهه از سوی بانک مرکزی می گذرد. نخستین مرحله از واگذاری سکه های پیش فروش شده اواسط تیرماه اتفاق افتاد و همزمان با آن اعلام شد که یک جوان ۳۰ ساله چند هزار سکه خریده است و عده دیگری هم مانند او اقدام به پیش خرید انبوه سکه کرده بودند. چند روز بعد هم دادستان تهران اعلام کرد که افرادی موسوم به سلطان سکه دستگیر شده اند. همان موقع کارشناسان اقتصادی و حتی قضائی اعلام کردند که صرف خرید سکه نمی تواند ایراد قانونی داشته باشد و اگر خرید چند هزار سکه از سوی یک فرد یا چند نفر منظم بازار رایج هم می زند، باید قانون پیش فروش را تغییر داد و برای خریداران محدودیت قایل شد. با وجود تمام بحث هایی که در این مورد در گرفت، چند روز پیش مجدداً همزمان با مرحله دیگری از واگذاری سکه های پیش خرید شده، موجی از انتشار نام اختصاری خریداران قطع سکه خریداری کرده که می شود حدود ۳۵ میلیارد تومان. بلافاصله بعد از انتشار این لیست باز هم مطالبه ای برای برخورد با خریداران عمده به راه افتاد تا جایی که این روزها برای خیلی از مردم خریداران کلان سکه تفاوتی با

ثروتمند بودن جرم نیست.» او ادامه می دهد: «مانی که اقدامات غیرعادی مالی مانند خرید سکه های بی شمار یا ارز فراوان از افرادی سر می زند، طبعاً این اتفاق نقطه آغازی برای بررسی اداره دارایی و همین طور سازمان های نظارتی مختلف است که به طور طبیعی اگر نتیجه این بررسی ها نظارت ها این باشد که فرد مالیات خود را پرداخت کرده و مرتکب تخلف و جرمی هم نشده است، هیچ کسی حق ندارد به او و مالش تعرض کند.» در اذهان عمومی گاهی خرید تعداد زیادی سکه و ارز، هم معنا با احتکار تلقی می شود اما از نظر قانونی و حقوقی چنین پیش فرضی درست نیست، کشاورز در توضیح مصادیق احتکار می گوید: «احتکار از نظر شرعی صرفاً ناظر بر مواد خوراکی است که شامل سکه و دلار نمی شود، ممکن است برخی از مصاد مصرفی به موجب قانون خاص مشمول حالتی شبیه به احتکار شود اما این محتاج وجود قانون است و نمی توان صرف حدس و گمان مزاحم افراد شده و به آنها اتهام احتکار زد، مگر اینکه قانون در شرایطی خاص تعیین کند که دپوی سکه و دلار می تواند نظم بازار را به هم بزند اما باید برای این کار از قبل اطلاع رسانی و از طرفی راه های قانونی خرید انبوه سکه و دلار آسود کند.»

در حکومت دوتابعیتی نداریم



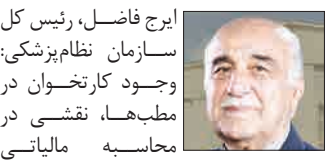
رئیس مجلس شورای اسلامی: وزارت اطلاعات، درباره افراد و مصادیق دوتابعیتی گزارش داده و فهرست اسامی آنها را نوشته و طی نامه ای به بنده داده است و در این نامه گفته اند در حکومت کسی دارای تابعیت مضاعف نداریم اما در بخش خصوصی وجود دارد. بنده فهرست این افراد را به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ارسال کرده ام و در صورت صلاح دید این کمیسیون ها فهرست می تواند در اختیار سایر نماینده ها هم قرار گیرد.

به امید انصاف خودروسازان



سیدحسین هاشمی، وزیر بهداشت: در شهریورماه گذشته به طور متوسط روزانه ۶۶ نفر و در یکی از روزها ۸۱ نفر را به دلیل این حوادث از دست دادیم. این رقم بیش از کشته شدن گان سقوط هواپیمای تهران- یاسوج است. بیشترین گروه سنی ای که در جاده های کشور دچار سانحه می شوند، بین ۱۵ تا ۳۰ سال دارند، یعنی افرادی که در سن مولد قرار داشته و می توانند برای جامعه کار آیی زیادی داشته باشند. متأسفانه ایران در بین کشورهای منطقه رتبه دوم و در بین کشورهای جهان، بعد از کشورهایهایی که اکثر آفریقایی هستند، رتبه هشتم را در میزان مرگ و میر ناشی از تصادفات ترافیکی دارد. امیدوارم روزی برسد تا در کشور خودروسازان منصفی وجود داشته باشند و خودروی استاندارد تولید کنند.

کار تخوان ربطی به مالیات ندارد



ایرج فاضل، رئیس کل سازمان نظام پزشکی: وجود کار تخوان در مطب ها، نقشی در محاسبه مالیاتی پزشکان ندارد اما ما جهت سهولت مراجعان و بیماران را به همکاران مان توصیه می کنیم از دستگاه کار تخوان در مطب های خود استفاده کنند. در آستانه روز پزشک هستیم و اول شهریورماه هر سال به عنوان روز پزشک نامیده می شود، اما به عقیده من کاش این روز، روز اخلاق پزشکی نامیده می شد؛ چرا که در مسائل پزشکی باید به اصول اخلاقی پزشکی توجه کنیم و پزشکی با دیگر مسائل باید تفاوت هایی داشته باشد.

خدا حافظی دانشگاه آزاد با فرهاد رهبر

فرهاد رهبر از ریاست دانشگاه آزاد اسلامی برکنار شد و طهرانچی رئیس سابق دانشگاه شهید بهشتی به جای او این پست را تحویل گرفت. به گزارش خبر آنلاین، جلسه فوق العاده و فوری هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی با حضور علی اکبر ولایتی تشکیل شد و با تصمیم اعضا فرهاد رهبر از ریاست دانشگاه آزاد اسلامی رفت. در این جلسه، طهرانچی به عنوان سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی معرفی شد. گمانه زنی ها درباره ریاست بعدی دانشگاه آزاد شروع شده است، اما همچنان هیچ گزینه ای را به شکل قطعی نمی توان مطرح کرد.

